



۲۰۱۷/۱۱/۳۰



لینا روزبه حیدری

دار مکافات

سنگی به پای هر که زنی، خوار میشوی
با سنگ سرنوشت، تو سنگسار میشوی
این روزگار دار مکافات عاجلست
هر بد کنی، به بدتر از آن زار میشوی
آری بخند تا توانی به بخت خویش
بنگر چسان به خنده عزادار میشوی
هرگز به حيله حرمت انسان ر بوده بی؟
روزی به دام حيله گرفتار میشوی
اشکی کسی ز ظلم تو آیا چکیده است؟
آید دمی که دلک بازار میشوی
با حرف و در کلام خودت دل شکسته بی؟
چون شب ز سوز درد دلی تار میشوی
خونی اگر تو ریخته بی بی هراس حق
بی بند و ریسمان، تو بر دار میشوی
اینجا سرای کهنه دنیای بی وفاست
تا کی فریب و حقه و زنهار میشوی
بگذار مژده ات بدهم از دیار مرگ
در ختم راه با مور و ملخ یار میشوی
می پوسد این تنت و ز خاک وجود تو
چند خشت خام مانده به دیوار میشوی

لینا روزبه حیدری

